



دوكتور- علوم پروفيسور- شرعى جوزجاني

از خاطرات زندگى سياسى من

سفر رسمى حزبى ما به مسكو و تاشكينت



درست 42 سال قبل ازین، در اواخر برج حوت سال 1978 بر اساس دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی باید یک هیئت با صلاحیت حزبى به مقصد تصحیح آخرین پروف کاردت عضویت ح د خ او امضای چاپ آن به مسكو سفر میکرد.

این مسئولیت به من به صفت رئیس یک هیئت حزبی مرکب از غلام جیلانی عضو کمیته حزبی ولایتی بلخ، علی گل پیوند مدیر مسئول جریده کابل تایمز، علیشاه و بخت بیک دوتن از کدرهای برجسته حزبی سپرده شد.

ما توسط طیاره ایروفلوت شوروی به تاشکینت مواصلت کردیم. چون طیاره تبدیل میشد، باید مسافران چک میشدند. موظفین میدان میخواستند ما را تلاشی کنند. مرحوم عبدالقدوس غوربندی وزیر تجارت که عازم چکوسلواکیا بود، نیز در جمله ما قرار داشت. اما من به عنوان اعتراض گفتم شما حق ندارید ما را تلاشی کنید چونکه پاسپورت سیاسی داریم و از مصونیت سیاسی برخورداریم و این کار شما خلاف مقررات بین المللی است و علاوه کردم که ما بر طبق موفقیتنامه امضا شده از طرف تره کی و بریژنف و بر اساس دعوت کمیته مرکزی حزب شما آمده ایم، اما آنها اصرار داشتند که در هر حال ما مجبوریم شما را تلاشی کنیم. گفتم ما به شما حق نمیدهیم ما را توهین کنید بنا بر آن سفر خود را کنسل میکنیم و در پرواز بعدی به افغانستان برمیگردیم. مرحوم غوربندی هم باما هماواز بود. رفتیم و بر چوکیهای سالون در انتظار پرواز طیاره به کابل نشستیم.

به رفقا گفتم این بی احترامی موظفین میدان به هیئت حزبی ما ناشی از نتایج منفی ملاقات هیئت رهبری حزب ما با بریژنف است که هیچ دست آوردی نداشت.

مدتی بعد چند تن از کارمندان وزارت خارجه آمده از ما عذر خواستند و گفتند که سوء تفاهمی رخ داده و هیچکس حق ندارد شما را تلاشی کند. آنها ما را تا طیاره ای که آماده پرواز به مسکو بود، بدرقه کردند.

بعد از وصول به مسکو موظفین ما را به هوتل حزبی «اکتیرسکا یا» رهنمایی کردند. فردای آن با رئیس شعبه تشکیلات مرکزی رفیق کپیتانوف که در عین حال منشی کمیته مرکزی حزب بود و امور تشکیلات سرتاسری را با 5 معاون خود به پیش میبرد ملاقات داشتیم. او ضمن معلومات مفصل در اطراف سیستم امور سازمانی حزب، سکتورهای مختلف حزبی را که وظایف خاصی بدوش داشتند معرفی کرد و گفت که شما با رئیس کارت حزبی ملاقات خواهید کرد.

ضمن ملاقات با رئیس کارت حزبی او پروف کارت عضویت ح د خ را در اختیار ما قرار داد. بعد از تصحیح برخی اغلاط آن بنا به رهنمود او من نوشتم که این کارت حزبی بعد از تصحیح به تعداد یک صد هزار نسخه چاپ شود و امضا کردم.

سپس او ما را به آرشیف حزب کمونیست اتحاد شوروی برد و با چگونگی سیستم حفظ اسناد حزبی و کارتهای ادوار مختلف حزبی آشنا ساخت و ضمن ارائه کارتهای حزبی تقلبی که از طرف دشمنان خارجی آنها ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته بود، معلومات داده گفت که حفظ اصالت کارتهای حزبی از اهمیت خاص حیاتی برخوردار است.

فردای آن با رفیق... مسئول عمومی تشکیلات کومسومول شوروی دیدار داشتیم که جوانی سخت اکتیف و پر از انرژی بود. او در اطراف تشکیلات، سیستم کار و عرصه های فعالیت کومسومول معلومات مفصل داده گفت که ما افتخار داریم مسئولیت پیشبرد کار و تکمیل پروژه خط آهن بزرگ بام (بایکال - آمو) را بدوش داریم. درین پروژه 10 هزار کومسومول داو طلبانه از نقاط مختلف شوروی کار میکنند و از امتیازات ویژه برخوردار میباشند.

او گفت چون این پروژه از بلندیها، رودبارها و مناطق صعب العبور میگذرد و این ایجاب میکند که تونلهای زیاد حفر و هزاران پل و پلچک در مسیر 9289 کیلو متری این طولانیترین خط آهن دنیا ساخته شود و صدها شهرک احداث گردد.

ملاقات ما به درازا کشید. او به تمام سوالات ما با حقایق و ارقام پاسخ میگفت. این رهبر جوان با روحیه بلند، کرکتر پرتحرک و پر تپش و با انضباط و دسیپلین آهنین خود بهترین الگو برای نسل جوان کشور خود بود. او مورد علاقه ما قرار گرفت و ما مراتب خرسندی خود را از ملاقات با وی ابراز داشتیم. یک جوان روس از اعضای کومسومول وظیفه ترجمانی ما را بر عهده داشت.

در طول چهار روز اقامت در پایتخت شوروی، او برای «دریاچه قو» اثر چایکوفسکی را که شهرت جهانی دارد و من با دوست دیرینم شاد روان رفیق کریم میثاق سخت گرویده آن بودیم و همیشه آهنگ آنرا می شنیدیم، برای اولین بار زنده در

بالشوی تیاتر مسکو تماشا کردیم و نیز از برخی مواضع تاریخی بازدید به عمل آوردیم. من ضمن دیدار با مقامات رهبری گفتم که از من خواسته شده تا پیام رفیق تره کی را به رفیق شرف رشیدوف برسانم. آنها گفتند که درین زمینه خود تاشکینت تصمیم میگیرد.

فردای روز پنجم در حالیکه رفیق شپیلی ووی کارمند باصلاحیت کمیته مرکزی به صفت میزبان معیت ما را داشت، توسط طیاره ایروفلوت به شهر تاشکینت پایتخت اوزبیکستان مواصلت کردیم. این بار برخلاف پنج روز قبل از ما استقبال گرم به عمل آوردند. در میدان هوایی به پیشواز ما از کارمندان برجسته رهبری حزب، رستموف اوزبیک اعظمویچ، انقلاب تورسونوا، ثابت خان قربانف (که چند سال بعد به حیث وزیر خارجه تعیین گردید)، وسیله خان و چند تن از محصلان افغانستان در اوزبیکستان در حدود 12 نفر با دسته های گل آمده بودند.

بعد از خیر مقدم و احوال پرسی ما را به هتل مخصوص کمیته مرکزی انتقال دادند. غذا و سرویس هتل عالی بود.

بازدید از کمیته های حزبی و سازمانهای اجتماعی:

فردای آن با شهلا محمودول رئیس و هیئت رهبری کومسامول، مسئولان شعبات مختلف آن، از جمله صادق صفایف مسئول امور دانشگاه دولتی اوزبیکستان ملاقات و تبادل معلومات کردیم.

آنها گفتند جماهیر متحده آسیای میانه در سال 1924 تشکیل شده و اکنون در اوزبیکستان 2 ملیون و 300 هزار کومسومول وجود دارد. ما دو روزنامه به زبانهای اوزبیکی و روسی نشر میکنیم و 2 روزنامه دیگر برای پیشاهنگان. هر سال 150 عنوان کتاب به تیراژ 5 - 6 میلیون به نشر میرسانیم.

روز دیگر از کمیته حزبی شهر تاشکینت که در عمارت کنونی وزارت خارجه اوزبیکستان قرار داشت بازدید به عمل آوردیم، ضمن آشنایی با تشکیلات وسیع حزبی با اصول سازماندهی آن معرفت حاصل کردیم و درپایان کار با عمروف اوچقون منشی اول کمیته شهر، منشی دوم و سوم و اعضای بیوروی کمیته شهر ملاقات به عمل آورده با نحوه کار، وسعت تشکیلات و صلاحیتهای نظارت آن بر امور تعلیمی و پلانهای عمرانی و غیره آشنایی حاصل کردیم.

ضمن صحبت با آنها در اطراف فرامین 4، 6، 7 و 8 دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان معلومات داده گفتم که دولت ما در نظر دارد برنامه های انکشافی وسیعی را به کمک اتحاد شوروی در عمل پیاده کند.

در جریان اقامت چند روزه در شهر تاشکینت با رهبری سازمان زنان، رهبری اتحادیه صنفی و کمیسیون تشکیلات کمیته مرکزی حزب ملاقات به عمل آورده با سیستم کار و شیوه فعالیت آنها از نزدیک آشنا شدیم.

دیدار با مقصود قاری یف مدیر مسئول روزنامه «ساویت اوزبیکستانی» (اوزبیکستان شوروی) و مدیران مسئول گزیتیه های «حقیقت اوزبیکستان» و «قشلاق حقیقتی» و کارمندان با صلاحیت آنها برای من جالب بود. چندی قبل یک شعر من در «سویت اوزبیکستانی» و ترجمه روسی آن در «پراودا وستوکا» نشر شده بود.

مقصود قاری یف ژورنالیست ورزیده و نویسنده خوب بود و بعدا درسالهای 90 نیز با وی روابط دوستانه داشتم. او گفت که در جمهوری ما 16 روزنامه، 22 روزنامه ولایتی و 143 جریده شهری و ناحیوی به نشر میرسد که تیراژ مجموعی آنها به 4.50 ملیون میرسد. از مطبوعات ما شخصیتهای برجسته حزبی و دولتی چون شرف رشیدوف که سابقا دایرکتر این روزنامه بود، حمید غلام، غفور غلام و عبدالله قهار بیرون شده اند. او در جواب یک سوال گفت که اساسا لهجه فرغانه به صفت زبان ادبی مطبوعات قبول شده است.

اکادمیسین و احد زاهدوف دوکتور علوم در فلسفه، رئیس انجمن غیر دولتی «وطن» که با اوزبیکان موجود در خارج از کشور روابط و همکاری فرهنگی دارد و جریده ای به نام «آیدین» به نشر میرساند، در اوقات فراغت مصاحب مابود. چند سال قبل یک قطعه شعر من به نام «آمو دریا» درین جریده نشر شده بود.

یک روز هم برای بازدید از دانشگاه دولتی تاشکینت، آشنایی با رهبران آن و ملاقات با محصلان افغانستان درین دانشگاه اختصاص یافته بود. بعد شناسایی با رئیس اکادمیسین سراج الدینوف دوکتور علوم و معاون او شاه اسلام شاه محمودف مترجم آثار برخی از آثار شاعران کلاسیک فارسی و شاهنامه بزبان اوزبیکی، در سالون وسیعی که محصلان گردآمده بودند، با دانشجویان افغانی ملاقات به عمل آورده، در اطراف جریان حوادث مهم حزبی و دولتی در افغانستان به آنان معلومات داده، سوالات شانرا پاسخ گفتیم. شادروان پیغمبر قل و یک محصل دیگر که ما به خاطر آموختن زبان اوزبیکی به کمک جمعیت وطن به اوزبیکستان فرستاده بودیم، نیز در آنجا حضور داشت.

ملاقات با رئیس دادگاه عالی و سارنوال جمهوری:

من علاقه داشتم از نزدیک با سیستم حقوقی و نظام قضایی شوروی آشنا شوم. بنا برآن از میزبان ما شپیلیووی که از مسکو با ما آمده بود خواستم تا این زمینه را مهیا بسازد. او بعد از گفتگو با مقامات مسئول گفت که فردا این ملاقات صورت میگیرد. فردای آن روز حلیمه قادروفنا محی الدینوا رئیس ستره محکمه و نعمان بوری خواجه یویچ بوری خواجه یف سارنوال جمهوری اوزبیکستان در مقر سارنوالی جمهوریت ما را پذیرفتند. صحبتها خیلی جالب بود. سیستم کار آنها تا حدود زیادی به سیستم کار ما نزدیک اما خیلی متمرکز و زیر نظارت مستقیم حزب کمونیست قرار داشت. سارنوال میتواند اجرات تمام موسسات دولتی و وزارت خانه ها را از لحاظ قانونی بودن نظارت کند.

سارنوالی دابخش داشت: سارنوالی محاکم جنایی که قضایای جرمی را بررسی میگرد و سارنوالی محاکم مدنی که به مسایل مدنی رسیدگی مینمود. صلاحیت رسیدگی به امور محاسب بدون قید و شرط به سارنوالی تعلق داشت.

بر طبق معلومات رئیس ستره محکمه، رئیس و اعضای دادگاه عالی از طرف شورای عالی اوزبیکستان برای مدت پنج سال انتخاب میگردند و تمام محاکم جمهوریت را نظارت مینمایند. در نواحی محاکم خلقی وجود دارند که از طرف مردم بر اساس رایگیری انتخاب میشود.

در جنب محکمه عالی دو کولکتیف وجود دارد که مسایل جنایی و مدنی را بررسی میکند.

پریزیدوم (هیئت رئیسه) مرکب از 9 نفر است و قضایا را به اکثریت حل و فصل میکند. پلینوم آخرین مرجع با صلاحیت قضایی است و میتواند فیصله هیئت رئیسه را نقض کند.

سارنوال جمهوری میتواند بر فیصله قطعی و نهایی ستره محکمه پروتست نماید و خواستار تجدید نظر گردد. این ضعیفترین نقطه ضعف نظام قضایی شوروی بود که استقلال قضایا کاملاً نقض میکرد. شورویها این پرنسیپ را در نظام قضایی افغانستان نیز وارد کرده بودند و بر طبق آن رئیس جمهور، رئیس ستره محکمه و لوی سارنوال میتوانند خواستار تجدید نظر بر فیصله های قطعی دادگاه عالی گردند و این کاملاً با این پرنسیپ که دادگاه نباید تحت نفوذ قوای دیگر و احزاب سیاسی قرار داشته باشد مغایرت دارد. زیرا استقلال قضا اصل مهم تفکیک قوای ثلاثه دولت است. اما در اثر مساعی ستره محکمه و برخی از ارگانهای حراست حقوق در زمان حکومت دوکتور نجیب الله با تشکیل لویه جرگه این نقیصه از بین برده شد و ماده قانونی سابق که تجدید نظر فقط در صورت تحقق شرایط مصرح در قانون (از جمله ثبوت عدم وقوع جنایت و یا ثبوت عدم حضور محکوم به جزا در زمان و محل ارتکاب جرم) صورت گرفته میتواند، احیا گردید.

هنگام اقامت چند روزه در تاشکینت چند کنسرت و بال‌ت در تیاتر بزرگ اکادمیک تاشکینت به نام شاعر کبیر اوزبیک علیشیر نوایی و کاخ فرهنگی بزرگ و مودرن «خلقلر دوستلیگی» تماشا کردیم. این قصر زیبا که از لحاظ وسعت بعد از کاخ کنگره‌ها در کرملین مقام دوم را داشته، گنجایش 4000 تماشاچی را دارد و جدارهای بیرونی آن از مرمر سفید ساخته شده و با وسایل تخیلی جدید و آرایش داخلی خود در منطقه بی نظیر می‌باشد، از امکانات وسیع برگزاری انواع محافل علمی و فرهنگی، نمایش درامه‌ها و تشکیل کنسرت‌ها را دارد و با تشبث و ابتکار شرف رشیدوف ساخته شده است.

تیاتر بزرگ نوایی که خیلی شهرت دارد، با آهنگسازان معروف خود چون مختار اشرفی، سلیمان یوداکوف، اولوغ‌بیک موسایف، سرور... و ساعت قلوب و آرتیستهای بنام خود چون سپرانو-میسر رزاقول شهرت جهانی دارد و تمام اوپره‌ها و بالتهای معروف آهنگسازان بزرگ دنیا مانند چایکوفسکی، موزارت و ویردی ایتالوی در برنامه‌های آن گنجانده شده است.

همچنان از هتل بزرگ نو بنیاد اوزبیکستان، استیشن زیبای متروی «نوایی» که هنوز افتتاح نشده بود و به شیوه تزیینات دوران تیموری و صحنه‌های داستانهای خمسه نوایی که به اسلوبی نهایت نفیس و ظریف آرایش یافته بازدید به عمل آوردیم. فردای آن بر طبق پروگرام مرتبه به سواری اتوموبیل، عازم ولایت سمرقند شدیم.

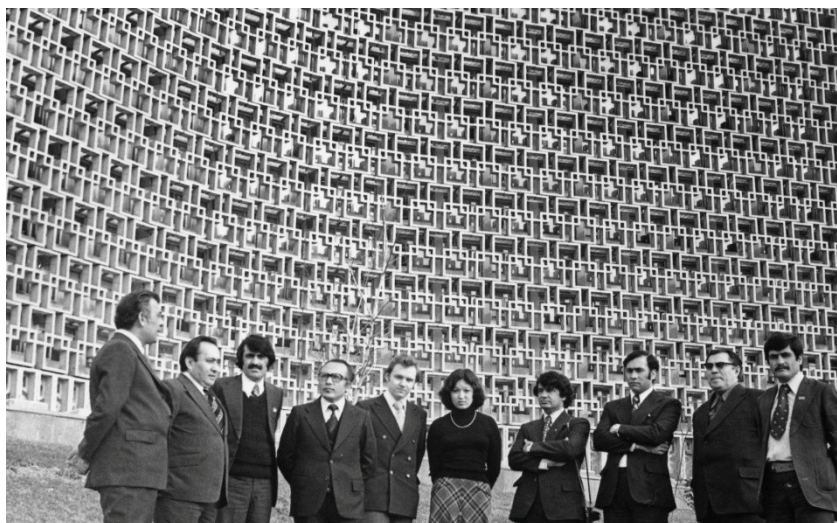
برای رئیس هیئت و دونفر میزبان و یک ترجمان یک موتر (چایکا) تخصیص یافته بود. ترجمان در یک چوکی مخصوص روبروی من و شپیلی ووی می نشست. تارسیدن به کلخوز ملک در نیمه راه صحبت‌های ما دوام داشت. برای من تعجب آور این بود که هیچ یک از میزبانان ما علاقه نداشتند در حضور میزبان مسکوی با من به زبان اوزبیک صحبت کنند و سوالات مرا مختصراً پاسخ داده فوراً سوال و جواب هر دو را به رفیق شپیلی ووی ترجمه میکردند. من مطمئن شدم که پرینسیپ «سنترالزم دموکراتیک» در مناسبات داخلی حزب کمونیست شوروی افاده‌ای جز مرکزیت مطلق ندارد و هیچ نوع دموکراسی و احترام به زبان ملی ملت‌های دیگر موجود نیست. میزبانان ما از شپیلی ووی به صفت یک کنترولر-باصلاحیت حزبی از مسکو هراس داشتند.

از طرف ظهر مهمان کلخوز ملک بودیم. مینوی ضیافت آنها متنوع و خیلی با مزه بود. به خاطر ما دو بره ذبح کرده بودند، مخصوصاً پلاو و کباب آنها بسیار عالی بود. پس از آشنایی با عرصه‌های تولیدی و سیستم کار کلخوز راه سفر در پیش گرفتیم و از ولایت نو تاسیس «جیززخ» که در مسیر راه ما قرار داشت بازدید به عمل آوردیم. با منشی کمیته ولایتی و معاون او که از ملت روس بود و احساس کردیم صلاحیتی بالاتر از منشی اول دارد تبادل نظر نمودیم و به شاخصهای عمده تولیدات ولایت آشنا شدیم. جالب این بود که این معاون دوم در چند ولایتی که ما سفر کردیم یگانه کسی بود که موتر-لوکس دولتی (چایکا) سوار میشد.

بعد از چند ساعت راه پیمایی به شهر سمرقند پایتخت دولت امیر تیمور کورگان و نخستین پایتخت اوزبیکستان شوروی در سالهای اول تأسیس جمهوری مواصلت کردیم. رفیق بکتاش رحیموف منشی اول و کوکسینکو ویتالی منشی دوم کمیته حزبی ولایتی سمرقند با حاکم شهر و عده‌ای از اعضای کمیته از ما استقبال به عمل آوردند.

پایان قسمت اول

عکسهای مربوط مقاله:



در کنار کاخ مرمرین موزیم لینن که اکنون موزیم تاریخی اوزبیکستان در آن قرار دارد.



بازدید از استیشن زیبا و مجلل «نوایی» متروی تاشکینت که هنوز افتتاح نشده بود.



در مدخل کاخ مرمرین موزه لینن که حالا موزیم تاریخی اوزبیکستان در آن قرار دارد.



امضا در کتاب موزیم لینن



ملاقات با رئیس سازمانهای صنفی



در مرکز- زلزله تاشکینت





ملاقات با منشی اول کمیته حزبی شهر تاشکینت



ملاقات با رئیس کمیسیون تشکیلات مرکزی حزب